

# دو مشکل عمده بنگاه‌داری بانک‌ها کمبود نقدینگی و ناترازی

رامین بیات

روزنامه نگار

گزارش

بانک‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد ایران، تأثیرگذاری بسیار مهمی بر تمامی شئون اقتصادی کشور دارند اما به‌طور طبیعی این نهاد‌های مالی نیز خود درگیر چالش‌هایی هستند. یکی از این مسائل، بنگاه‌داری بانک‌ها به حساب می‌آید. عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی در این رابطه گفت: «بانک‌ها باید از بنگاه‌داری خارج و به تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی بپردازند. همچنین ضروری است دارایی‌ها و تسهیلات بانک‌ها مدیریت و بهینه‌سازی شوند.» وزیر اقتصاد با اشاره به اینکه در جلسه رأی اعتماد در مجلس، تأکید کردم که هدف اصلی من در دوران وزارت، کاهش بنگاه‌داری بانک‌هاست، افزود: «برای تحقق این هدف می‌بایست با تغییر رویکردها و همکاری سازمان بورس و بانک مرکزی، موفقیت‌های بیشتری حاصل شود.»

همتی با تأکید بر ضرورت اصلاح مدل کسب و کار بانک‌ها، بیان کرد: «بانک‌ها باید به جای تأسیس شرکت‌های تولیدی، به سمت ارائه خدمات مشاوره‌ای و تأمین مالی بروند و درآمدهای غیرمشاع را افزایش دهند. این تغییر در مدل کسب و کار می‌تواند به بهبود سودآوری بانک‌ها یاری رساند.»

**بانک‌ها باید تنها کار تخصصی انجام دهند**

محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به اینکه در حال حاضر تمامی بانک‌ها کار‌ها و وظایفی را انجام می‌دهند که سابقه آن را در دیگر مناطق دنیا سراغ ندارم، گفت: «بانک‌ها باید هرکدام کار تخصصی خود را انجام دهند. این موضوع به‌طور مناسبی در قانون برنامه هفتم توسعه آمده و هفت دسته بانک تجاری، توسعه‌ای، قرض الحسنه و... در آن در نظر گرفته شده است. اساسنامه این بانک‌ها در حال تهیه است و لازم است میحث حرکت از بانکداری به بنگاه‌سازی در نظر گرفته شود.»

فرزین با اشاره به اینکه بانک‌های توسعه‌ای تسهیلات ایجاد ی پرداخت و بنگاه‌سازی می‌کنند، افزود: «آن‌ها

گزارش

نزدیک کردن نرخ ارز نیمایی با نرخ بازار آزاد یکی از سیاست‌های مهم اقتصادی به شمار می‌رود که دولت چهاردهم در چندماه گذشته آن را دستور کار قرار داده است. افزایش نرخ نیما و عبور آن از مرز ۵۱ هزار تومان، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده، به‌طوری که کارشناسان بازار سرمایه معتقدند اثر این موضوع بر روی سودآوری شرکت‌های بورسی بسیار مهم قلمداد می‌شود. اگر به‌صورت ریشه‌ای به موضوع نگاه کنیم، باید گفت هرچیزی که در اقتصاد دونرخی باشد، در برخی اوقات رانت و فساد را به همراه دارد. به‌نوعی خط‌مشی دو نرخی حاصل یک سری سیاست‌های شکست خورده برای کنترل دستوری قیمت‌ها در کوتاه‌مدت است که معمولاً به زیان تولیدکننده و مصرف‌کننده اما به نفع رانت‌خواران در اقتصاد بوده است.

کاهش شکاف بین نرخ دلار در سامانه نیما و بازار آزاد، باعث ایجاد مزیت رقابتی برای بازارهای خارجی می‌شود. وقتی تولیدکننده می‌خواهد محصول خود را صادر کند، باید قیمت ارز خود را به پایین‌تر از نرخ بازار رفع تعهد سازد؛ یعنی مجبور است ارزان را بفروشد که طبیعتاً صرفه اقتصادی ندارد. این درحالی است که کشور با کمبود منابع ارزی مواجه بوده و باید سیاست‌ها به سمت ترغیب صادرات باشد و کسانی که صادرات درست انجام می‌دهند، مورد حمایت قرار گیرند. از طرفی در تولیدات داخلی نیز خیلی مواقع مشاهده می‌کنیم که حتی بسیاری از مخارج ریالی شرکت‌ها، عملاً به نرخ دلار در بازار آزاد بستگی دارد. در شرایطی که نرخ دلار در بازار آزاد بالا می‌رود و هم‌زمان نرخ تورم بالا داریم، می‌خواهیم محصولات را با دلار ارزان‌تری از شرکت‌ها بگیریم که این اتفاق باعث پایین آمدن حاشیه سود شرکت‌ها شده و عملاً صرفه تولید کاهش پیدا می‌کند. این درحالی است که همچنان فاصله زیادی بین نرخ واقعی دلار و بازار آزاد وجود دارد.

**رابطه دلار و سودآوری شرکت‌ها**

سودآوری شرکت‌ها در بورس اهرمی نسبت به دلار دارد، یعنی زمانی که نرخ دلار افزایش می‌یابد، سودآوری شرکت‌ها با شدت بیشتری رشد می‌کند و اگر در یک سطح

تأمین مالی خود را از طریق مردم انجام نمی‌دهند بلکه از دولت، صندوق‌ها، بانک مرکزی، فروش اوراق و ایجاد بدهی و...، تأمین مالی کرده و مانند مدل کشورهایایی نظیر ژاپن و کره جنوبی بنگاه‌سازی انجام می‌دهند.» او ادامه داد: «البته در قانون برنامه هفتم، دیده شده که یک بانک توسعه‌ای مورد تأسیس قرار گیرد که وزارت امور اقتصادی و دارایی در حال تهیه اساسنامه آن است و بانک مرکزی هم کمک می‌کند. یکی از اصلاحات مدنظر بانک مرکزی در شبکه بانکی، ایجاد بانک‌های توسعه‌ای به شمار می‌آید.»

رئیس کل بانک مرکزی اضافه کرد: «بانک‌های توسعه‌ای می‌تواند در ایجاد بنگاه تولیدی حضور یابند و بر روی پولی که به بنگاه می‌دهند تا لحظه آخر، نظارت داشته باشند. البته نباید بعداً بنگاه‌داری کنند؛ زیرا بعد از ایجاد بنگاه، از سهام‌داری بنگاه خارج می‌شوند. به خاطر داشته باشیم اگر تمام بانک‌ها بخواهند به بنگاه‌داری ادامه دهند، وضعیت کنونی ادامه می‌یابد. طبق آنچه در قانون ذکر شده و بر اساس تفکیک بانک‌ها از یکدیگر با اساسنامه‌های مشخص، موضوع خروج از بنگاه‌داری را حتماً در بانک مرکزی اجرا خواهیم کرد. بانک‌های تجاری و قرض الحسنه به هیچ وجه لازم نیست بنگاه‌دار باشند اما بانک توسعه‌ای می‌توانند به ایجاد بنگاه ورود کند.»



**تبعات بنگاه‌داری بانک‌ها**

کامران ندری، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «آتیۀ نو» با اشاره به اینکه بانک‌ها به میل و رغبت خود بنگاه‌داری نمی‌کنند، گفت: «این مسئله دو چالش عمده را به دنبال داشته است؛ در وهله اول در چنین وضعیتی بانک‌ها با کمبود نقدینگی و در وهله دوم با ناترازی روبه‌رو هستند که این‌ها مشکلات اساسی برای بانک‌ها به بار آورده‌اند.»

او افزود: «بنگاه‌داری بانک‌ها یک کار پر ریسک به شمار می‌آید. دولت‌های گذشته بابت رد دیون خود به نظام بانکی عمده‌تأ بنگاه‌های زیان‌ده و با عملکرد نامناسب را به بانک‌ها واگذار کردند که این مسئله مشکلات قابل توجهی را برای نظام بانکی ایجاد کرد. به‌طوری که، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این واگذاری‌ها، کاهش توان اعتباری نهادهای مالی است.»

ندری ادامه داد: «بانک‌ها به‌طور ذاتی سازمان‌هایی هستند که وظیفه اصلی آن‌ها جمع‌آوری منابع و تخصیص به بخش‌های مولد اقتصاد به حساب می‌آیند اما تملک بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه واحدهای زیان‌ده، موجبات آن را فراهم آورده تا بخش قابل توجهی از منابع مالی آن‌ها قفل شود. این وضعیت نه‌تنها امکان ارائه تسهیلات مالی به صنایع و کسب‌وکارهای مولد را محدود ساخت، بلکه

## اقتصاد

## ۱۱



atiyeno.ir

یادداشت

**اثر بودجه بر بازار سرمایه**

مهدی عیدی هنجنی

کارشناس بازار سرمایه

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار که می‌تواند نقشه راه یک‌ساله اقتصاد ایران را ترسیم کند و با نشان دادن برنامه دولت در حوزه‌های گوناگون، چشم‌انداز بازارهای مختلف را برای فعالان هر بخش مشخص کند، بودجه سالانه است. طبیعتاً بازار سرمایه نیز به‌عنوان آینه تمام‌نمای اقتصاد و محلی که صنایع متنوعی در آن حضور دارند و سهام شرکت‌های مختلفی در آن معامله می‌شود، چشم به مقاد بودجه دوخته؛ چراکه از محتوای آن تأثیر می‌گیرد. هرچند شاید خواسته نخست اهالی بازار سرمایه آن است که فارغ از بودجه هر سال، امکان پیش‌بینی بلندمدت برای سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد اما به هر حال رویه موجود، اهمیت سند مالی را برای فعالان بازار سهام دوچندان کرده است. از آنجا که در مقطع فعلی کمیسیون تلفیق مجلس در حال بررسی دخل و خرج سال ۱۴۰۴ بر اساس برآوردهای انجام شده از منابع و مصارف سال آینده است، پیگیری منافع سرمایه‌گذاران و صنایع فعال در بازار سرمایه اهمیت ویژه‌ای دارد.

شاید اشاره به این نکته ضروری است که تأمین منافع بازار سرمایه از مسیر حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری می‌گذرد و نباید چنین تلقی شود که اگر متولیان و فعالان بازار سرمایه پیگیر منافع بازار سرمایه هستند، صرفاً خواهان تحقق خواسته‌های صنفی خود هستند. مهم‌ترین وظیفه متولیان بازار سرمایه تبیین درست این حقیقت برای دولت‌مردان و نمایندگان مجلس است که حمایت از بازار سرمایه در واقع حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری قلمداد می‌شود. بر این اساس یکی از عواملی که به‌ویژه در چندسال اخیر ضربه سنگینی به شرکت‌هایی که عمده محصولاتشان در داخل به فروش می‌رسانند، تحمیل کرده، قیمت‌گذاری دستوری محصولات به شمار می‌آید، به گونه‌ای که در مواردی تولید آن محصول را غیراقتصادی و تولیدکننده را متضرر کرده و در نهایت دولت مجبور شده تا برای ادامه فعالیت آن تولیدکننده تسهیلات و تمهیداتی در نظر بگیرد که باعث آسیب دیدن سایر بخش‌ها شده است. از این‌رو، پیگیری برای به حداقل رساندن قیمت‌گذاری دستوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر شرکت‌های صادراتی با نوع دیگری از نرخ‌گذاری مواجه هستند و آن الزام به عرضه ارز حاصل از صادرات به نرخ‌هایی است که نقشی در تعیین آن نداشته و اختلاف قابل ملاحظه‌ای با بازار آزاد دارد. این مسئله موجبات آن را فراهم می‌آورد تا بخشی از منافع سرمایه‌گذاران و سهام‌داران آن شرکت‌ها به واردکنندگان منتقل شود که طبیعتاً به نفع حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری نخواهد بود. وضع برخی تعرفه‌های صادراتی نیز بعضاً برای محصولاتی تعیین می‌شود که در داخل مصرف چندانی ندارند و از مصادیق دیگر این رویه نادرست محسوب می‌شود. مسئله بعدی که باید مدنظر قرار گیرد، تعیین و تثبیت نرخ‌خوراک مصرفی صنایع پتروشیمی و پالایشگاه‌ها خارج از بودجه سالانه به حساب می‌آید. این اقدام، امکان رقابت با تولیدکنندگان سطح منطقه و پیش‌بینی‌پذیری هزینه‌ها را برای واحدها فراهم می‌سازد. هرچند مواردی که به آن اشاره شد، می‌تواند کمک شایانی به بازار سرمایه کند اما مهم‌تر از چیزی که در دخل و خرج سالانه مورد تصویب مجلس قرار می‌گیرد، اجرای بندهای آن است. در واقع تدوین بودجه به‌صورت غیرمنطقی و برآورد درآمدها و هزینه‌ها بدون درنظر گرفتن واقعیت‌های موجود و همچنین اجرا نشدن دقیق بودجه تدوین شده، دو لبه یک شمشیر است که هر دو به تولید، سرمایه‌گذاری و در نهایت بازار سرمایه آسیب می‌رساند. به‌طورخلاصه می‌توان گفت راسال متولیان و فعالان بازار سرمایه در مقطع فعلی، در گام نخست تلاش برای تدوین بودجه به‌شکلی است که واقعیت‌های موجود بسیار و اقتصادی کشور در آن لحاظ شود و در گام بعدی تلاش برای اجرای دقیق آن صورت گیرد تا هم منافع بازار سرمایه تأمین شود و هم قدرت پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد افزایش یابد.



پرسنل، بیمه و مالیات اختصاص یابد. در شرایط فعلی اما این بخش از هزینه‌ها نادیده گرفته شده و صادرکنندگان باز هم باید ارز را به نرخ پایین‌تر از بازار آزاد بفروشند.»

**بهبود موقعیت صادرکنندگان با سیاست‌های اخیر**

مصطفی احمدلو، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «آتیۀ نو» با اشاره به اینکه هم‌گرایی نرخ دلار در سامانه نیما و بازار آزاد، پیامدهای قابل توجهی برای موقعیت رقابتی تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایرانی در بازارهای جهانی دارد، گفت: «این تغییر نه‌تنها باعث افزایش شفافیت و کاهش فساد می‌شود، بلکه نقش مهمی در ایجاد و تقویت مزیت رقابتی برای صادرات و تجارت خارجی ایفا می‌کند. از طریق کاهش شکاف نرخ‌ها، صادرکنندگان می‌توانند با اطمینان بیشتری قیمت‌گذاری کنند؛ زیرا درآمد ارزی آن‌ها به نرخ واقعی و نزدیک به بازار آزاد مورد محاسبه قرار می‌گیرد. این پیش‌بینی‌پذیری به تصمیم‌گیری بهتر و مدیریت ریسک یاری می‌رساند.»

او افزود: «تفاوت نرخ ارز نیما و بازار آزاد در گذشته باعث می‌شد صادرکنندگان مجبور شوند ارز حاصل از صادرات را به نرخ کمتر و به سامانه نیما بفروشند اما این تغییر انگیزه بیشتری به صنعتگران می‌دهد که در نهایت به افزایش حجم صادرات غیرنفتی منجر می‌شود.» احمدلو با اشاره به اینکه نزدیکی نرخ دلار نیما به بازار آزاد موجبات آن را فراهم می‌آورد تا تولیدکنندگان ایرانی بتوانند با هزینه‌های واقعی‌تری تولید و قیمت‌گذاری کنند، توضیح داد: «ایران در مقایسه با برخی کشورهای منطقه، از نیروی کار و مواد اولیه ارزان‌تری بهره می‌برد. هم‌گرایی نرخ ارز این مزیت‌ها را تقویت کرده و امکان رقابت بهتر در بازارهای جهانی را فراهم می‌سازد.»

این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر اینکه عبور نرخ دلار نیما از ۵۰ هزار تومان، تأثیر مستقیمی بر سودآوری بسیاری از شرکت‌های بورسی دارد، تأکید کرد: «شرکت‌های صادرکننده که درآمدشان به ارز است، از این افزایش بهره‌مند می‌شوند؛ چراکه درآمد ریالی آن‌ها به تناسب افزایش نرخ ارز نیما رشد می‌کند. این موضوع به بهبود وضعیت مالی و افزایش ارزش سهام این شرکت‌ها منجر خواهد شد.»